

بررسی همخوان‌های میانجی در گویش تاتی جوینی

دکتر سید مجتبی میرمیران * mirmiran@guilan.ac.ir

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

دکتر علی‌علیزاده جوینی

دکترای زبان و ادبیات فارسی

چکیده

واژگان کلیدی
 * همخوان میانجی
 * گویش رودباری
 * گونه تاتی جوینی
 * تلاقی واکه‌ها
 * هم‌آبی پیشوندهای فعلی

گویش تاتی رودبار زیتون تنها نماینده زبان تاتی در استان گیلان است که بویژه تحت تأثیر فارسی رسمی و گویش همجوار گیلکی قرار دارد و رو به اضمحلال می‌رود. شمار گویشوران تاتی در شهرستان رودبار، چهل تا پنجاه هزار تن برآورد شده است. گستردگی رودبار، شرایط ویژه جغرافیایی و بافت کوهستانی آن و وجود سپیدرود موجب شده میان گونه‌های متفاوت گویشی و از جمله گویش تاتی رودبار، تفاوت‌هایی شکل گیرد که تمایز آنها در شاخص‌های صرفی، نحوی و واژگانی جلب توجه می‌کند. این مقاله به معرفی همخوان‌های میانجی و تحولات آنها در گویش جوینی به عنوان یکی از گونه‌های گویش تاتی رودبار می‌پردازد. این مقاله نشان می‌دهد که همخوان‌های میانجی که در گویش جوینی بنا به ضرورت‌های دستوری یا ساختوازی مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارت از -j-، -y-، -n-، -k-، -h-، -g- و -r- می‌باشند. از میان این همخوان‌های میانجی، آنها که در ملتقای دو واکه در پیشوندهای فعلی مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارت از -j- و -r- می‌باشند که بویژه میانجی -r- کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

مقدمه

رودبار زیتون با جمعیتی بالغ بر 102 هزار نفر (اصلاح عربانی، 1387:1115) شهرستانی پهناور است که نزدیک به نیمی از بافت جمعیتی آن را تات‌ها تشکیل می‌دهند. گستردگی شهرستان رودبار از یک سو و بافت کوهستانی و شرایط جغرافیایی آن از سوی دیگر به انضمام عبور سپیدرود از وسط رودبار که این شهرستان را به دو پاره شرقی و غربی تقسیم می‌کند، موجب شده است بخش بزرگی از جمعیت این شهرستان در قالب توده‌های جمعیتی در روستاهای دور از یکدیگر در دره‌ها و دامنه‌کوه‌ها پراکنده شوند. این شرایط اقلیمی و محیطی در گذر زمان در ارتباط زبانی میان گویشوران تاتی رودبار تا اندازه‌ای اختلال ایجاد کرده و به ایجاد فاصله زبانی میان گونه‌ها انجامیده و مانع انسجام آنها شده است. همچنین وسعت شهرستان رودبار، تنوع شرایط آب و هوایی و محیطی آبادی‌های آن و تفاوت آنها در اختلاف ارتفاع از سطح دریا موجب شده است در پوشش گیاهی و جانوری و در نتیجه فرآورده‌های کشاورزی و دامی، شکل زیست و پیشه‌ها و مشاغل باشندگان آن تفاوت‌های شگرفی پدید آید که این امر نیز به نوبه خود به تفاوت واژگانی میان گونه‌های تاتی افزوده است. مثلاً در حالی که باشندگان آبادی‌های حاشیه سپیدرود به کشت برنج می‌پردازند، ساکنان ارتفاعات، بیشتر به دامداری و کشت گندم و جو و باغداری اشتغال دارند و در حالی که اقتصاد برخی روستاها اساساً به کشت زیتون متکی است، در برخی دیگر به دلیل ارتفاع از سطح دریا اساساً زیتون به عمل نمی‌آید. همچنین وجود توده‌های جمعیتی که به گویش‌ها و زبانهای دیگر از جمله کردی، ترکی، لری، تالشی و گالشی سخن می‌گویند، میان آبادی‌های تات نشین، مانع انسجام زبانی گویشوران تاتی شده است. این ویژگیها موجب شده است میان گویش‌آبادی‌های تات نشین که در جای‌جای شهرستان پراکنده هستند، در طول زمان، تفاوت‌های محسوسی در واژگان، صرف و نحو و شاخص‌های دستوری پدید آید و مانع از شکل‌گیری یک گونه مشخص و هویت متمایز و همه‌پذیر برای گویش تاتی رودبار شود. این تفاوت‌ها چنانکه خواهیم دید، تا اندازه‌ای شامل همخوانی‌های میانجی هم می‌شود. از این رو در این مقاله که به بررسی همخوانی‌های میانجی در گویش رودباری می‌پردازد، ترجیح داده شد بر گونه‌جویی به عنوان یکی از گونه‌های گویش تاتی رودبار تمرکز شود. روستای جوبن یکی از پانزده دهستان رستم آباد جنوبی با جمعیتی بالغ بر 1500 نفر است که ساکنان آن به

گوش تاتی سخن می‌گویند. البته تاتی رودبار متأثر از فارسی رسمی و گوش گیلکی قرار دارد و در حال از دست دادن شاخص‌های تاتی و رو به اضمحلال در فارسی و گیلکی است. هر چه از رودبار به سمت رشت حرکت می‌کنیم، بر تأثیر گیلکی افزوده می‌شود، بگونه‌ای که گوش آبادی‌های مرزی رستم آباد شمالی بسیار به گیلکی رشت نزدیکی می‌برد.

یکی از موضوعات مهم در بررسی زبان‌ها و گوش‌ها، پراکندگی صامت‌های میانجی و شرایط کاربرد آنها است. صادقی در تعریف همخوان میانجی آورده است: همخوانمیانجی به همخوانی گفته می‌شود که در روی زنجیر گفتار، برای جدا کردن دو واکه که معمولاً اولی در پایان تکواژ قبلی و دومی در آغاز تکواژ بعدی قرار دارد به کار می‌رود. برخورد دو واکه به این صورت در اصطلاح، التقای واکه‌ها (hiatus) نامیده می‌شود. ویژگی همخوان‌های میانجی در این است که در زبان تقریباً در تقابل با هیچ واج دیگری قرار نمی‌گیرند و در نتیجه تمایز معنایی ایجاد نمی‌کنند. (صادقی، 1380:25)

برخلاف واج‌ها که به کارگیری آنها به اراده و انتخاب کاربران زبان وابسته است، به کاربرد همخوان‌های میانجی را ضرورت‌های زبانشناسی به کاربران تحمیل می‌کند. از این رو همخوان میانجی، همخوانی است زاید که پدیدار شدن آن وابسته به محور همنشینی و ناشی از بافت آوایی دستوری است. (نجفی، 1358:58) غیرگزینشی بودن توزیع همخوان‌های میانجی بدان معناست که این همخوان‌ها از نظر ساختی و واجشناسی، دارای نقش مساوی هستند و هیچ کارکردی جز جلوگیری از توالی واکه‌ها ندارند. (حق شناس، 1370:273) اما ضرورت‌های زبانشناسی که کاربران زبان گفتار را مجبور به استفاده از همخوان‌های میانجی می‌کند، ممکن است آوایی، صرفی (دستوری) یا واژگانی باشند. (شقایق، 1378:9) توزیع این همخوان‌ها را آرایش واکه‌های پیشین و پسین تعیین می‌کند. بدین معنا که انتخاب همخوان‌های میانجی، بر پایه مشابهت‌هایی است که این میانجی‌ها در مشخصات آوایی با واکه پیشین یا پسین و یا با هر دو دارند. (مشکوٰه الدینی، 1380:141)

صادقی در بررسی همخوان‌های میانجی در زبان فارسی، همخوان‌های -y-مانند Pâ-y-iz، -?مانند pâ?in، -g-مانند xastagi، -k-مانند niyâ-k-ân، -d-مانند bedin، (t)مانند zadateš، (v/w)مانند zâno(v/w)ân، (h)مانند bâhâš، -j-مانند j-âtkâr-xâne-

(č) مانند *anzali-č-i* را ذکر کرده است (صادقی، 25:1380) اما همخوان‌های میانجی که از بررسی شواهد واژگانی در گویش جوبنی شناسایی شده اند عبارت از همخوان‌های *-y*، *-j*، *-n*، *-k*، *-h*، *-g* و *-r* می‌باشند. در این گویش همخوان‌های میانجی *-j* و *-r* همچنین در هم‌آیی پیشوندهای فعلی نیز به کار می‌روند که در نوع خود قابل توجه است. بدین ترتیب در سنجش با فارسی معیار، همخوان‌های *-?*، *-d* و *-t* و *-v* و *-w* و *-č* در گویش جوبنی به کار نمی‌روند. در مقابل در این گویش، میانجی‌های *-n* و *-r* به کار می‌روند که در فارسی معیار دیده نمی‌شوند. میانجی‌ها در گویش جوبنی، هم در صرف و هم در نحو زبان دیده می‌شود. استاجی و حسینی در بررسی میانجی‌ها در گویش شاهرودی، به این نتیجه رسیده‌اند که پراکنش میانجی در زبان معیار، غالباً واجی و ساختوازی است و کاربرد میانجی در بافت نحوی، یک ویژگی گویشی است که در زبان معیار چندان به کار نمی‌رود. (استاجی و حسینی، 209:1389) این موضوع، اهمیت و گستره کاربرد میانجی را در گویش‌ها نشان می‌دهد.

در این مقاله نخست توزیع همخوان‌های میانجی *-j*، *-y*، *-n*، *-k*، *-h*، *-g* و *-r* را در گویش جوبنی بررسی می‌کنیم و پس از آن به بررسی همخوان‌های میانجی *-j* و *-r* در هم‌آیی پیشوندهای فعلی خواهیم پرداخت. عبارات و جملات شاهد از گویش جوبنی که در این پژوهش به آنها استناد شده است، همگی از نخستین فرهنگ گویش تاتی رودبار (علیزاده جوبنی، 1389) استخراج شده‌اند. این واژه‌نامه که بر پایه گونه جوبنی نگاشته شده است، ذیل سرواژه‌ها متضمن عبارت‌هایی به عنوان شاهد مثال است که عیناً در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در پایان هر عبارت، صفحه مربوط به آن ذکر گردیده است. در موارد معدودی که شواهد کتاب قاصر بوده‌اند، از شواهد پژوهش‌های میدانی استفاده شده است. هر جا که ضرورت ایجاب کرده است، در تشریح همگونی‌ها و تفاوت‌ها، شواهدی از دیگر گونه‌های گویش تاتی رودبار، دیگر گویش‌های تاتی و یا گویش همجوار گیلکی با ذکر منابع به خدمت گرفته شده‌اند.

پیشینه بحث و پژوهش‌های پیشین

در سنجش با دیگر گونه‌های تاتی، گونه‌های تاتی رودبار تاکنون کمتر مورد توجه پژوهشگران

گویش شناسی قرار گرفته اند. تاکنون دو واژه نامه از گویش رودبار زیتون منتشر شده است. علیزاده جوبنی (1389) نخستین فرهنگ گویش تاتی رودبار زیتون را با تمرکز بر واژگان گونه جوبنی نوشته است. در دستور مختصر و نه صفحه ای بخش دیباچه این واژه نامه، به همخوان های میانجی اشاره ای نشده است. هاشمی تکلیمی در کتاب "پژوهشی در گویش رودباری" (هاشمی تکلیمی، 1391) که مشتمل بر فرهنگ واژگان این گویش به انضمام بررسی شاخص های دستوری آن است، از همخوان های میانجی سخنی به میان نیاورده است. سبزیلیپور در کتاب توصیف گویش تاتی رودبار که به بررسی گونه تاتی روستای انبوه از گویش تاتی رودبار تمرکز دارد، به همخوان های میانجی اشاره کوتاهی داشته است. او از همخوان های میانجی تاتی انبوه، پنج مورد را ذکر کرده که عبارت از -y-، -k-، -h-، -g- و -a- می باشند. (سبزیلیپور: 40:1389) که مورد اخیر، درست نمی نماید. مثالی که ایشان برای میانجی -a- ذکر کرده اند mer-a-bân است که -a- را در اینجا باید میانوند به شمار آورد.

در باره گونه تاتی جوبنی تاکنون فعالیت های پژوهشی معدودی انجام یافته است. حاجی زاده جوبنی (1390) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود، ساختار واجی و صرفی گونه تاتی جوبنی را بررسی نموده است. علیزاده جوبنی در مقاله فعلهای پیشوندی در گویش تاتی رودبار (1394) به معرفی و بررسی معناساختی پیشوندهای فعلی در گونه جوبنی پرداخته است. راحله ایزدی فر (1394) در رساله دکتری خود نظام انطباق را در تاتی جوبنی در مقایسه با چهار گونه دیگر از زبان تاتی شامل تاتی اشتهاردی، تاکستانی، هزاررودی و کرینی بررسی کرده است. بدین ترتیب تاکنون همخوان های میانجی در گونه جوبنی چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.

1. توزیع همخوان های میانجی در گونه جوبنی

اکنون به بررسی همخوان های میانجی در تلاقی واکه ها در گونه جوبنی از گویش رودباری می پردازیم. یک نکته که شایسته توجه است این است که در گویش رودباری گاه دو واکه بدون میانجی در کنار یکدیگر قرار می گیرند که در اینصورت واکه دوم همواره تکیه بر است. این تلاقی حتماً ممکن است در یک واژه بسیط باشد مانند mâr (مادر) و šâ'âl (شغال) که بواسطه همین تکیه و تمایز میان دو واکه از mâr (مار) و šâl (شال) تشخیص داده می شود.

همخوان‌های میانجی در گویش جوبنی عبارتند از همخوان‌های -j-، -y-، -n-، -k-، -h-، -g- و -ʔ- که در بخش نخست به آنها خواهیم پرداخت. از میان آنها، میانجی‌های -j- و -ʔ- در هم آیی پیشوندهای فعلی نیز به کار می‌روند که آنها را در بخش دوم بررسی خواهیم کرد.

1,1 همخوان میانجی -n-

1,1,1 میانجی -n- در تلاقی دو همخوان و هنگامی به کار می‌رود که ضمیرهای mo (من)، to (تو)، âmâ (ما) و šomâ (شما) که به واکه ختم می‌شوند، پیش ازواژه ای که به واکه آغاز می‌شود بیایند: (1)

mo-n-o to-n-o ame malle

من و تو و معلم مان

âmo-n-o šomo-n-o ame hamsâdon

ما و شما و همسایگان ما

mo-n-om âhâm

من هم می‌آیم

to-n-om ahay

تو هم می‌آیی

نمونه در گونه تکلمی: âme-n-am loxt âbem sânv konem

ما هم لخت می‌شویم شنا می‌کنیم. (هاشمی تکلمی، 1391:352)

2,1,1 وقتی اسم اشاره (i) (این) و (o) (آن) پیش از (â) نشانه مفعول بیاید:

o čuxâš e marday te čiye آن مرد بسیار لاغر با تو چه نسبتی دارد؟ (117) (نقش نهادی)

O-n-â hič či nevâ âdiyan به او چیزی نباید داد (30) (نقش مفعولی)

2,1 همخوان میانجی -g-

این میانجی در ساخت اسم مصدر از برخی اسم‌ها و صفت‌ها و در فاصله دو واکه e/ɛ و - آکه وند ساخت اسم مصدر است، به کار می‌رود مانند:

hamsâde (همسایه) ← hamsâde-g-i

سبزه‌علیپور نیز xânanda-g-i را از گونه تاتی انبوه ذکر کرده است. (سبزه‌علیپور، 41:1389) البته چنانچه خواهیم دید، در گونه جوبنی، در ساخت اسم مصدر، غالباً در فاصله میان واکه پایانی صفت و وند اسم ساز، میانجی -y- استفاده می‌شود و اسم‌های مختوم به -gi- را می‌توان و امواژه‌هایی دانست که از فارسی رسم به گویش رودباری راه یافته‌اند. در مجموع از آنجا که میانجی -g- در تاتی رودبار، تنها در ساخت اسم مصدر به کار می‌رود، با توجه به دوگانگی واکه پایانی در تاتی رودبار (a/e) می‌توان بافت واجی آن را صورت a/e-g-i نشان داد.

3.1 همخوان میانجی -y-

این میانجی پربسامدترین میانجی در گویش رودباری است. مهمترین موارد کاربرد آن به شرح زیر است:

1,3,1. نشان جمع در گونه جوبنی (on) می‌باشد. (علیزاده، 14:1389) در این گونه، در ساخت جمع از واژگانی که به واکه‌های -a- و -u- ختم می‌شوند میانجی -y- در فاصله واژه و نشان جمع آورده می‌شود. در اسم‌های ختم شده به واکه -u- یک وجه دیگر هم روا است و آن توالی دو واکه است که در این صورت، واکه دوم همواره تکیه بر است.

xâlu (دایی) ← xâlu-y-on/ xâlu'on (دایی‌ها) (ملاحظات فونولوژی)

lu (بوته) ← lu-y-on/ lu'on (بوته‌ها) (پایان‌های بلایع علوم انسانی)

zuni (زانو) ← zuni-y-on (زانوان)

sezâvâri (رنج و عقوبت) ← sezâvâri-y-on (رنج‌ها و عقوبت‌ها)

sezâvâri-y-on bekašiyom tâ te râ peley âkordom

رنجها کشیدم تا تو را بزرگ کردم (177)

kudi lu-y-on â pâ umani

روی بوته های کدو پا نگذاری (239)

اما اگر اسم، به واکه های e- و â- ختم شود، در ساخت جمع، آن واکه با گردش واکی به O تبدیل می شود و سپس نشانه جمع به عنوان هجای تکیه بر، به آن افزوده می شود. مانند:

xone (خانه) ← xono'on (خانه ها)

xurde (بچه) ← xurdo'on (بچه ها)

kote (پسر) ← koto'on (پسران)

Pâ (پا) ← po'on (پاها)

Kelkâ (دختر) ← kelko'on (دختران)

iyâ ye jâ mardom e xono'on borâvar e

از اینجا خانه های مردم پیداست (60)

me xurdo'on čekâček jing konon

فرزندانم همیشه دعوا می کنند (112)

te po'on â eškenom

پاهایت را می شکنم.

1,2,3 در گویش رودباری اسم مصدر معمولاً از افزودن ا- به پایان اسم یا صفت افزوده می شود. لذا در ساخت اسم مصدر از اسم ها و صفت هایی که به واکه ختم می شوند، نیاز به میانجی است که این میانجی گاه -y- می باشد. اگر واکه پایان اسم، â باشد، به e تبدیل می شود.

gorsene (گرسنه) ← gorsene-y-i (گرسنگی)

kutâ (کوتاه) ← kute-y-i (کوتاهی، قصور)

gele (گله، شکایت) ← gele-y-i (گلگی)

xupâ (نگهبان خرمن از حمله خوک) ← xupe-y-i (نگهبانی خرمن از حمله خوک)

guyâ (گویا، سخنگو) ← guye-y-i (گویایی)

hamzomâ (هم داماد، باجناق) ← hamzome-y-i (باجناق بودن)

3,3,1. نشانه مفعول در گویش رودباری (â) می باشد مانند:

yerâyon â bošustâm لباسها را شسته ام (33)

حال اگر مفعول به واکه های -â، -o، یا -u ختم شود، میان مفعول و نشانه مفعول، میانجی -y به کار می رود:

âbarde bâzi-y-â bebâxtam بازی برده را باختیم (27)

ame šâli yâ xaray âkate در شالی ما شیشک افتاده است (34)

te pâ yâ ogur پاپایت را بردار (46)

mo i kelkâ yâ nexâstame من این دختر را نمی خواستم (222)

mâyi xâš me galu yâ âše استخوان ماهی در گلویم فرو رفت (32)

xo g?lu-y-âd?git گلوی مرا فشرد

mânto-y-âbexi مانتو را خرید

در اسم هایی که به واکه -e ختم شوند، این واکه حذف و نشانه مفعول -â-افزوده می شود. مانند xone در مثال زیر:

çete ame xonâ biyâfti چگونه خانه ما را یافتی؟ (112)

4,3,1. در فاصله اسم ها و صفت های مختوم بهواکه -â- یا -â- که با حرف ربط O به یکدیگر عطف

می شوند، مانند:

musâ-y-o ali -y-o mo

موسی و علی و من.

5,3,1. در ترکیبات اضافی، در صورتی که مضاف به واکه ختم شود، میان واکه و کسره اضافه، میانجی -y- می آید. مانند:

kârd e jâ mâi-y-e eškom â beškâtom

با کارد شکم ماهی را شکافتم (44)

6,3,1 وقتی اسم مختوم به واکه، با کسره اضافه به حرف اضافه پسین افزوده شود، میان اسم و کسره اضافه، میانجی -y- می آید، مانند:

vânjom â loyâvi-y-e miyon darinjin

گوجه فرنگی را داخل ظرف لعابی خرد کن (71)

loymâ xo galu-y-e jâ jegit âdây xo xurdon â

لقمه را از گلوی خودش گرفت و به بچه هایش داد (103)

7,3,1 مضارع اخباری از فعل و به تعبیری، شناسه فعل -ah- (بودن) در گونه جوئنی بدین صورت صرف می شود:

om، (هستم)، i (هستی)، e (هست)، am (هستیم)، an (هستید)، on (هستند)

که تمامی صیغه های آن با واکه آغاز می شود. وقتی واکه در جایگاه پایانی یک اسم یا صفت، با صیغه ای از فعل "بودن" مجاور شود، در تلاقی دو واکه از میانجی -y- استفاده می شود. مانند:

mo ali -y-om من علی أم

te del rezâ -y-e آیا دل تو راضی است؟

diri tâ lâ te čamberâ-y-om (114) تا حالا چشم به راه تو هستم

8,3,1 فعل‌هایی که ستاک گذشته آنها به واکه -i یا -e ختم می‌شود، مانند فعل‌های:

bexi (خرید)، âkəši (کشید)، beji (جوید)، âpeči (پیچید)، beči (چید)، beše (رفت) (د) beze

وقتی به شناسه‌هایی که با واکه آغاز می‌شوند (مانند شناسه‌های گذشته نقلی و گذشته شاده) وصل می‌شوند، در تلاقی دو واکه، از میانجی -y- استفاده می‌شود.

ye tâ mors e tâs bexi-y-âm

یک کاسه مسی خریده ام (89)

ye kolu angir bexi-y-om

یک کیلو انگور خریدم (173)

ame gandom â ge beči-y-am aham te re yâvar

گندم خودمان را که چیدیم به کمک تو می‌آییم (279)

از آنجا که صفت مفعولی نیز از افزودن وند تکیه بر -e به ستاک گذشته ساخته می‌شود، در ساخت صفت مفعولی از ستاک این گونه فعلها نیز همین قاعده اجرا می‌شود. مانند:

beze (د) ← bezi-y-e (زده شده)

bexi (خرید) ← bexi-y-e (خریده شده)

از آنجا که مصدر در گونه جوبنی از افزودن نشان مصدری -an به ستاک گذشته و با حذف پیشوند تصریفیاز فعل ساده یا پیشوند فعلی از فعل پیشوندی ساخته می‌شود، در ساخت مصدر از این فعلها نیز همین قاعده اجرا می‌شود. این امر معمولاً با اشباع مصوتی همراه است:

beze (زد) ← zi-y-an (زدن)

bexi (خرید) ← xi-y-an (خریدن)

9,3,1. فعلهایی که ستاک حال آنها به واکه u- ختم می شود وقتی به شناسه هایی که باواکه آغاز می شوند متصل می شوند، در صرف مضارع اخباری این فعلها دو وجه روا است که یک وجه آن، استفاده از میانجی -y- در تلاقی دو واکه می باشد. عمده ترین این فعلها عبارتند از:

gutan (گفتن) ← gu

rutan (رُفتن) ← ru

kustan (کوبیدن) ← ku

مانند :

har če gu-y-om nokul kone

هر چه می گویم بی توجهی می کند. (261)

10,3,1. در ساخت صفت نسبی از اسم هایی که به واکه (e) ختم می شوند، در فاصله دو واکه، میانجی -y- به کار می رود و یا اینکه دو واکه بدون میانجی در کنار یکدیگر قرار می گیرند که در اینصورت واکه دوم همواره تکیه بر است:

čire (اخم) ← čirei/čire-y-i (اخمو)

kine (کینه) ← kinei/kine-y-i (کینه ای)

این قاعده بویژه در ساخت صفت نسبی از جاینام ها پر کاربرد است:

kafte ← kafteikaft e-y-i (اهل روستای کفته)

filede ← filedei /filede-y-i (اهل روستای فیله)

ganje-y-l / ganjei ← ganje (اهل روستای گنجه)

بدین ترتیب ساخت صفت نسبی با اسم مصدر در گونه جوبنی یکی است و به کمک قرینه‌های معنوی از یکدیگر بازشناخته می‌شوند.

11,3,1. مصدر در چند فعل مشخص در گونه جوبنی با پیش فعل یا وند تصریفی be آغاز می‌شود، مانند

bebreštan (برشتن)

این فعلها در صورتی که با همخوان آغاز شود، میان وند و همخوان آغازین، میانجی -y- به کار می‌رود. مانند:

be-y-injiyan (انجیدن، خرد کردن، ترید کردن)

4.1 همخوان میانجی -k-

به طور کلی اسم مصغر در گویش رودباری از افزودن -ay به پایان اسم ساخته می‌شود. مانند marday (مردک) و zenay (زنک). اگر اسم به واکه e- ختم شود، این واکه در ساخت اسم مصغر حذف می‌شود و -ây- به پایان اسم افزوده می‌شود. از آنجا که وند اشتقاقی -ay- در حقیقت، شکل ابدال یافته -ak- است، به همین دلیل در موارد تلاقی واکه ای، -k- باز می‌گردد و در فاصله دو واکه قرار می‌گیرد. یکی از موارد این تلاقی، قرار گرفتن اسم مصغر پیش از وند جمع -on- می‌باشد، مانند:

Zen (زن) ← اسم مصغر: zenay ← جمع اسم مصغر: zena-k-on

kote (پسر) ← اسم مصغر: kotây ← جمع اسم مصغر: kotâ-k-on

xurde (بچه) ← اسم مصغر: xurdây ← جمع اسم مصغر: xurdâ-k-on

ولی در کاربرد زبان معمولاً به جای اسم جمع، جمع اسم مصغر را به کار می‌برند.

یکی دیگر از موقعیت تلاقی واکه ای، واقع شدن این اسم‌های مصغر پیش از نشانه مفعولی-

âمی باشد، مانند:

kuji xurdâ-k-â harifi

حریف بچه کوچک هستی؟ (202)

البته وند ay- همواره نشانه تصغیر نیست، بلکه ممکن است متضمن معنای تحبیب، تعریف و جز آن باشد.

5.1. همخوان میانجی -h-

در گویش رودباری، ستاک حال برخی فعل‌ها به واکه پایان می‌یابد، مانند فعل umiyan (آمدن) ستاک حال: -â و فعل šiyan (رفتن) ستاک حال: -še و فعل diyan (دادن) ستاک حال: -de و فعل biyan (بودن) ستاک حال: -be. در صرف اخباری از این فعلها و در تلاقی ستاک حال آنها با شناسه‌هایی که به‌واکه آغاز می‌شوند، -h- میانجی به کار می‌رود. واکه پایانی ستاک حال در این فعلها برای همگون سازی واکی (assimilation) متناسب با واکه آغازین شناسه، دستخوش دگرگونی می‌شود. در این حالت، تلاقی دو واکه به یکی از وجوه زیر خواهد بود: â-â ، a-a ، u-u و o-o

enekan hafte â-h-âm

هفته آینده می‌آیم (48)

این صیغه‌ها معمولاً یک وجه صرفی دیگر هم دارند که در آن توالی دو واکه‌بدون میانجی دیده می‌شود و هجای دوم در همه موارد، تکیه بر است:

šo'om/šohom و ši'i/ši-h-i و šu'u/šu-h-u

در جدول زیر، مضارع اخباری دو نمونه از این فعل‌ها صرف شده است:

مصدر	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول جمع شخص	دوم جمع شخص	سوم جمع شخص
umiyan (آمدن)	â-h-âm	a-h-ay	â-h-ây	a-h-am	a-h-an	â-h-ân
šiyan (رفتن)	šo-h-om/šo'om	ši-h-i/š'i'i	šu-h-u/š'u'u	ša-h-am/ša'am	ša-h-an/ša'an	šo-h-on/šo'on

6,1. همخوان میانجی -j-

1,6,1. در گونه جوبنی، برای ساخت صفت نسبی، وند تصریفی-ا- به پایان اسم افزوده می‌شود. مانند:

teyron (تهران) ← i-teyron (تهرانی)

rašt (رشت) ← i-rašt (رشتی)

اما اگر اسم مکان به واکه (i) پایان یابد، میان واکه پایانی و افزایه نسبت، میانجی -j- به کار می‌رود. مانند:

nesfi ← i-nesfi (اهل روستای نصفی)

piri ← i-piri (اهل روستای پیری)

7,1. همخوان میانجی -r-

میانجی -r- مختص به گویش رودبار نیست بلکه در بیشتر گونه‌های گویشی از زبان‌های حاشیه دریای خزر (Caspian languages) دیده می‌شود، ولی از آنجا که این میانجی در زبان معیار وجود ندارد، در پژوهش‌های گویشی نیز تاکنون کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. برای مثال این میانجی در شکل پیشوندی از فعل خاستن (از ریشه -haiz، ستاک ماضی ایرانی باستان -haišta* و ستاک مضارع -haiza*) در گویش گیلکی در -r-vi ištān (پاینده، 123:1366)، در گویش تالشی در -r-vi-ašte (مسرور، 296:1386) و در گونه گیلوانی از تاتی خلخال در -r-ve-eâšte (سبزه‌علیپور، 295:1394) دیده می‌شود. سبزه‌علیپور در بحث توصیف پیشوندهای فعلی تاتی انبوه رودبار، از -r- زاید سخن گفته‌اند که پس از برخی پیشوندهای فعلی می‌آید. تنها مثالی که ایشان در این باب ذکر کرده‌اند، -r-vi.eštâ.y.en (برخاستن) می‌باشد که در آن، -r-vi را پیشوند و -r- را زاید دانسته‌اند. (سبزه‌علیپور، 93:1389) که به نظر می‌رسد همخوان -r- در این مثال، اگرچه میان دو واکه قرار گرفته است، اصلی و -r-vi شکلی از پیشوند -r-bar باشد که بر فعل ایستادن (ریشه -stâ) وارد شده باشد. اما پوره‌دینیز در بحث از نشانه مفعول در گونه گیلکی غرب گیلان، همخوان -

-۲ را که پس از اسم‌ها و ضمائر مختوم به واکه می‌آید، میانجی دانسته و شواهدی برای آن ذکر کرده است. (پورهادی، 106:1387)

در تاتی رودبار، میانجی -۲- در هم‌آیی پیشوندهای فعلی هم دیده می‌شود که جداگانه به آن خواهیم پرداخت. مهمترین بافت‌هایی که میانجی -۲- در آنها به کار می‌رود به شرح زیر است:

1,7,1 گفتیم که در گویش رودباری، نشانه مفعول، (**â**) است که بلافاصله پس از مفعول می‌آید:

ali hasanâ beze علی حسن را زد

اما اگر مفعول، ضمیر مفعولی مختوم به واکه **e**-باشد، میانین واکه و نشانه مفعول، همخوان میانجی -۲- می‌آید:

me -r-â xande bordi

مرا به خنده آوردی (52)

ame -r-â bosujoniye

ما را سوزانده است (به تنگنا آورده است) (180) *مطالعات زکری*

در این حالت، گاه نشانه مفعولی (**â**) برای ایجاد همگونی واکه ای، به **e**-تبدیل می‌شود:

me -r-e bebâxš emru polâ šel bebiye

مرا ببخش امروز پلو شل شده است (185)

در این زمینه میان گونه‌های تاتی رودبار تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در برخی گونه‌ها مانند گونه دوآبسر، سرخن و گزن، در این موقعیت، به جای میانجی -۲-، میانجی **b**-به کار می‌رود. در گونه مرکزی رودبار، میانجی -۲- فقط پس از ضمیر مفعولی **te** به کار می‌رود و پس از دیگر ضمائر، از میانجی **n**- استفاده می‌شود:

o dâz â me -n-â âda

آن داس را به من بده. (هاشمی، 1390:333)

on ixonâ te -r-â xây baxšian

او این خانه را به تو خواهد بخشید. (هاشمی تکلمی 1391:334)

2,7,1. در گونه جوبنی هنگامی که پیشوند فعلی -â به فعل *ištan* (هشتن: برخاستن، از ایرانی باستان -*hâišta**) (منصوری و حسن زاده، 1387:122) برسد، در فاصله میان پیشوند و واکه آغازین، از همخوان میانجی -r- استفاده می شود:

demoâ-r-ištâm دیگر خسته شده ام. (30)

در گونه مرکزی رودبار نیز در تلاقی پیشوند فعلی -u با این فعل، از میانجی -r- استفاده می شود: *u-r-ištan* (برخاستن) کهسنجیدنی است با *vi-r-ištan* (برخاستن) در گویش گیلکی (نوزاد، 1381:475)، (مرعشی، 1382:451) (پاینده، 1366:123)

3,7,1. در گونه جوبنی در تلاقی پیشوند فعلی -â با فعل *injiyan/ enjiyan* (انجیدن، ریز کردن، ترید کردن)، همخوان میانجی -r- به کار می رود:

tor e jâ imon â â-r-enjiyom

با تبر هیزم ها را خرد کردم (30)

4,7,1. در تلاقی پیشوندهای فعلی (â)، و (xu) با هر یک از صیغه های مضارع اخباری فعل -ah (بودن) (om, i, e, am, an, on) که همگی به واکه آغاز می شوند، در گونه جوبنی از میانجی -r- استفاده می شود.

dâr â vuz â-r-e (بر درخت گردو است)

pul zemin xu-r-e (پول روی زمین ریخته است)

در برخی دیگر از گونه های گویشی رودبار همچون گویش دارستانی و لاکه ای، آلیزه ای و

سرخنی صرفاً در تلاقی پیشوند فعلی -â و صیغه های فعل بودن، به جای میانجی -۲- از میانجی -j- استفاده می شود:

dâr â xoj â-j-e (بر درخت، گلابی است)

te do'onâ šekar â-j-e (شکر در دهانت باشد)

2. هم آبی پیشوندها در فعلهای پیشوندیگونه جوئنی

از آنجا که همخوان های میانجی [j] و [ʔ] بطور گسترده در هم آبی پیشوندهای فعلی در گویش رودباری به کار می روند، شایسته است نخست پیشوندهای فعلی در گویش رودباری معرفی و توضیحات مختصری در باره آن داده شود و سپس به بررسی شواهد این دو میانجی پرداخته شود.

می دانیم که فعل در زبان فارسی به اشکال ساده، پیشوندی، مرکب، عبارت فعلی و فعل ناگذر (فعلهای لازم یک شخصه) مرکب دیده می شود. (ناتل خانلری، 115:1384) یکی از ویژگی های زبانهای حاشیه دریای خزر، بسامد فعل های پیشوندی در آنها است. فعل پیشوندی، فعلی است که از یک فعل ساده و یک پیشوند ساخته می شود. (انوری و احمدی گیوی، 24:1386) پیشوندها به لحاظ زبانشناسی تاریخی، جانشین قیود یا حروف اضافه هستند و معنایی همچون جهت، تأکید بر وقوع فعل و... را به فعل می افزایند. (خانلری، 120:1382) لازار پیشوندهای فعلی را قیدهایی می داند که معنای اصلی آنها کمابیش در فعل پیشوندی کمرنگ شده است. (لازار، 323:1384) یکی از ویژگیهای گویش رودباری، بسامد فعلهای پیشوندی و پیشوندی مرکب در آن است، به گونه ای که در آن بیشتر فعل ها پیشوندی یا مرکب پیشوندی هستند.. علیزاده جوئنی در بررسی پیشوندهای فعلی گویش تاتی رودبار با تمرکز بر گونه جوئنی، پیشوندهای -â مانند â.git.an (باز گرفتن) ، -e مانند e.git.an (فراهم کردن)، -bar مانند bar.kord.an (بیرون کردن)، -da مانند da.gand.an (داخل کردن)، -je مانند je.git.an (فرو گرفتن)، -jo مانند jo.xot.an (فرو خفتن)، -xu مانند xu.čâld.an (فرو فشردن) و شکل تخفیف یافته آن -xo مانند xo.kord.an (فرو ریختن)، -u مانند u.sbit.an (برمکیدن) و شکل تخفیف یافته آن -o مانند o.gut.an (برگرفتن) را ذکر کرده

است. (علیزاده جوبنی، 162:1394 و علیزاده جوبنی، 19:1389) که با استناد به شواهد فرهنگ تاتی رودبار (علیزاده جوبنی، 1389)، باید پیشوندهای -darمانند dar.omi.yan (درآمدن)، -dâمانند dâ.xond.an (کسی را صدا کردن) و -iمانند i.yâft.an (یافتن) و -bâمانند bâ.šond.an (جنابندن گهواره) را هم به آنها افزود. در میان این پیشوندها، -je / -j و -jo صورت‌های متفاوتی از پیشوند فعلی jir (زیر) و پیشوندهای -da و -dâ صورت‌هایی از پیشوند فعلی -dar هستند که در شرایط متفاوت آوایی دچار تخفیف و دگرگونی واکی شده‌اند.

در هم آیی دو پیشوند فعلی که اولی به واکه پایان یابد و دومی به واکه آغاز شود، از همخوان میانجی استفاده می‌شود. بدیهی است که هم آیی پیشوندهای فعلی تابع ضرورت‌های معناساختی است و همه پیشوندهای فعلی که در بالا نام برده شد، در زبان کاربرد با یکدیگر تلاقی نمی‌کنند. استفاده از همخوان‌های میانجی در تلاقی پیشوندهای فعلی در گونه جوبنی هنگامی دیده می‌شود که یکی از پیشوندهای -â، -u یا -xu بر سر یک فعل پیشوندی که با پیشوند -o، -u یا -â آغاز می‌شود افزوده شوند. در چنین شرایطی دو واکه به یکدیگر برخورد می‌کنند. مثلاً هنگامی که پیشوند (u) بر فعل پیشوندی â.ši.yan (قرار گرفتن، قرار دادن) افزوده می‌شود، با چنین وضعیتی روبرو هستیم.

اما چه ضرورت‌های زبانشناختی یا معناساختی، هم‌آیی دو پیشوند را ایجاب می‌کند؟

در برخی از فعل‌های پیشوندی، به مرور زمان و در اثر کثرت استعمال، پیشوند به مثابه جزئی از فعل درآمده است و دیگر نقش قیدی و حرف اضافه‌ای را که به خاطر آن با فعل همراه شده است، ایفا نمی‌کند. به چنین پیشوندهایی اصطلاحاً پیشوند مرده (dead prefix) گفته می‌شود. به عبارت دیگر، پیشوندهای مرده پیشوندهایی هستند که نقش معنایی (semantic function) پیشوندها در آنها کم‌رنگ شده یا به کلی از میان رفته است. در این حالت، گاه پیشوند چنان به فعل پیوند خورده است که ساخت غیرپیشوندی فعل، منسوخ شده است. (مانند آمدن در زبان فارسی معیار و اومین، آریستن و اوریشتندر گویش رودباری) به همین دلیل گاه رفتار این فعل‌ها در صرف و نحو زبان، همانند فعل‌های ساده است و گاه آنها را در زمره فعل‌های ساده به شمار می‌آورند. مثلاً در ساخت منفی از فعل‌های پیشوندی، قاعدتاً

وند نفی باید میان پیشوند و فعل‌قرار گیرد، حال آنکه ساخت نفی از u.mi.yan در گونه جوینی nu.mi.yan است که به مثابه فعل‌های ساده است. فرشیدورد می نویسد که در زبان فارسی امروز، پیشوند (â) در صفاتی چون "آبستن" و در مصدری چون "آمدن" و "آوردن"، پیشوندی مرده و غیرفعال به شمار می رود. (فرشیدورد، 154:1384) این در حالی است که پیشوند "ا" در فعل "آوردن"، جزئی معنادار بوده و برای افزودن معنای ضدیت و تضاد به خدمت گرفته شده، چنانکه â.burt.an در تقابل با burt.an ساخته شده است. همچنین فعل "آمدن" مرکب از پیشوند و جزء فعلی-gmata* از ریشه gam- بوده و پیشوند â- در آن جهت حرکت به سمت متکلم را افاده می داده است. (حسن دوست، 111:1393 و منصور و حسن زاده، 21:1387) به همین دلیل، نیازهای زبانی ایجاب می کند که بر برخی از فعل‌های پیشوندی، برای افزودن معنای جهت، تأکید، حالت و... مجدداً پیشوند وارد شود. از این رو در فارسی معیار نیز بر فعل "آمدن" که خود در اصل، فعل پیشوندی بوده است، مجدداً پیشوند افزوده شده و در فعل‌های برآمدن، بازآمدن، درآمدن، فرو آمدن، فرود آمدن و... شاهد تلاقی دو پیشوند هستیم. در تاتی جوینی هم بر فعل u.mi.yan (آمدن) مجدداً پیشوندهایی وارد می شود، چنانکه u.r.u.mi.yan به معنای حرکت کردن خمیر به سمت بالا (ور آمدن خمیر) به کار می رود.

1,2. همخوان میانجی -r- در هم آیی پیشوندهای فعلی در گونه جوینی

1,1,2. هنگامی که پیشوند فعلی -u- به پیشوندهای فعلی -u- مانند umiyan (آمدن)، یا به پیشوند فعلی -o- مانند ordan (آوردن) و یا به پیشوند فعلی -â- مانند âšiyān (قرار گرفتن/ قرار دادن) و âbiyan (بریدن) افزوده شود، میانجی -r- میان دو واژه فاصل می شود:

umiyan (آمدن) ← u-r-umiyan (ور آمدن و بالا آمدن خمیر) (51)

همین ویژگی در ساختمان تعدی فعل هم دیده می شود:

ordan (آوردن) ← u-r-ordan (پیش آوردن، تحقق بخشیدن) xodâ umarore (خدا برای کسی پیش نیاورد)

âšiyān (قرار گرفتن/ قرار دادن) ← u-r-âšiyān (هم زدن مایعات)

âbīyan (بریدن) ← u-r-âvīyan (فرو بلعیدن) در گونه دارستانی

2.2. همخوان میانجی -j- در هم آیی پیشوندهای فعلی

هنگامی که پیشوند فعلی -â- بر روی پیشوند فعلی u-مانند umīyan (آمدن) یا بر پیشوند فعلی -o- مانند ordan (آوردن) در آید و یا هنگامی که پیشوند فعلی -xu- بر پیشوند فعلی -o- مانند ordan یا u-مانند umīyan (آمدن) وارد شود، در تلاقی پیشوندهای فعلی، میانجی -j- به کار می‌رود. در این موقعیت، گاه فعل umīyan با تخفیف واکه ای به omīyan تبدیل می‌شود:

umīyan (آمدن) ← â-j-omīyan (به حالتی در آمدن)

gav âjome به سخن درآمد (29)

xâ zâr âjây می‌خواهد به گریه بیفتد.

ordan (آوردن) ← â-j-ordan (حالتی را در انسان، حیوان یا چیزی ایجاد کردن)

ordan (آوردن) ← xu-j-ordan (بسیار بار آوردن درخت)

در وجه واداری از فعل ordan نیز این قاعده جاری است و معمولاً میانجی -j- در آن به میانجی -č- ابدال می‌شود:

uronīyan ← xu-č-uronīyan

در فعل u-r-u-j-umīyan که گاه به جای u-r-umīyan (ور آمدن خمیر) به کار می‌رود نیز پیشوندها بواسطه دو میانجی -r- و -j- در کنار یکدیگر به کار می‌روند:

umīyan (آمدن) ← u-r-u-j-umīyan

جدول پراکندگی همخوان‌های میانجی در هم‌آیی پیشوندهای فعلی در گونه‌ی جوینی

پیشوند فعلی اول	همخوان میانجی	پیشوند فعلی دوم	شواهد
u	-r-	o	u-r-ordan
u	-r-	â	u-r-âšīyan/ u-r-âviyan
u	-r-	u	u-r-umiyan/ u-r-u-j-umiyan
xu	-j-	o	xu-j-ordan/ xu-j-u-r-uniyan
â	-j-	o	â-j-omiyan / â-j-ordan

جدول پراکندگی همخوان‌های میانجی در گونه‌ی جوینی بر پایه‌ی مهمترین فعل‌ها

پیشوند فعل	â	u	xo
umiyan (آمدن)	â-j-omiyan	u-r-umiyan u-r-u-j-umiyan	-
ordan (آوردن)	â-j-ordan	u-r-ordan	xu-j-ordan
oroniyan (وجه واداری)	-	-	xu-j-uruniyan
ištan (برخاستن)	â-r-ištan	-	-
injiyan (خرید کردن)	â-r-enjiyan	-	-
âšīyan (حرکت دادن)	-	u-r-âšīyan	-

نتیجه گیری

همخوانی‌های میانجی که از بررسی شواهد واژگانی در گونه جوبنی از گویش تاتی رودبار شناسایی شده اند و در هنگام همنشینی دو واکه به کار می‌روند عبارت از -y-، -n-، -k-، -h-، -g-، -j- و -r- می‌باشند که از میان آنها تنها میانجی‌های -j- و -r- در فاصله دو واکه در تلاقی پیشوندهای فعلی به کار می‌روند. از بررسی شواهد آشکار می‌شود که پربسامدترین میانجی در گویش جوبنی، میانجی -y- می‌باشد. میانجی -g- کمترین بسامد را دارد و تنها در ساخت اسم مصدر به کار می‌رود. میانجی -j- نیز تنها در ساخت صفت نسبی به کار می‌رود. میانجی -h- تنها در فاصله فعل و شناسه و در تلاقی دو واکه همنام به کار می‌رود. اما استفاده از همخوانی‌های میانجی -j- و -r- در تلاقی پیشوندهای فعلی، معمولاً در موقعیت‌هایی دیده می‌شود که یکی از پیشوندهای -â-، -u- یا -xu- بر سر یک فعل پیشوندی که با پیشوند -o-، -u- یا -â- آغاز می‌شود، افزوده شوند. از میان این پیشوندهای فعلی، منحصرأ پیشوند -u- گاهی در کنار پیشوند همنام خود قرار می‌گیرد که در اینصورت در فاصله آن دو همواره از میانجی -r- استفاده می‌شود.

پانویس ها

1. از آنجا که تلاقی واکه ای معمولاً در فاصله میان دو واژه رخ می‌دهد، حتی المقدور از جمله‌ها و عبارت‌ها به عنوان شاهد استفاده شده است.
2. عبارت‌ها و شواهدی که در این مقاله مورد استفاده قرار می‌گیرند از نخستین فرهنگ واژگان گویش تاتی (علیزاده جوبنی، 1389) استخراج شده است که تنها واژه نامه از گونه جوبنی می‌باشد. برای پرهیز از تکرار، در ارجاع به این منبع، به شماره صفحه اکتفا شده است؛ بدیهی است که هنگام ارجاع به سایر منابع، اطلاعات منابع، ذکر شده است.

منابع

- استاجی، اعظم و سادات حسینی، زهرا (1389) تحلیل صامت میانجی در گویش شاهرودی از لحاظ نحوی، همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران، 222/209
- اصلاح عربانی، ابراهیم (1387)، کتاب گیلان، جلد پنجم، چاپ اول، تهران: گروه پژوهشگران ایران
- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (1386) دستور زبان فارسی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: فاطمی
- ایزدی فر، راحله (1394)، ساخت تجربه گر در گویش تاتی جوبنی، مجموعه چکیده مقالات نخستین همایش زبانشناسی نقش‌گرا، همدان، دانشگاه بوعلی سینا
- پاینده لنگرودی، محمود (1366)، فرهنگ گیل و دیلم، چاپ نخست، تهران: امیرکبیر
- پورهادی، مسعود (1387)، زبان گیلکی، چاپ نخست، رشت: ایلیا
- حسن دوست، محمد (1393)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- حق شناس، علی محمد (1370)، نقش‌های دوگانه همزه در ساخت آوایی... فارسی، مقالات ادبی، زبانشناختی، تهران، انتشارات نیلوفر
- سبزعلیپور، جهان‌دوست (1389)، زبان تاتی (توصیف گویش تاتی رودبار)، چاپ نخست، رشت: ایلیا
- سبزعلیپور، جهان‌دوست (1394)، گنجینه گویش‌های ایرانی (تاتی خلخال)، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- شقاقی، ویدا (1378)، بررسی التقای واکه در زبان فارسی؛ تکواژ میانجی یا واج میانجی، متن پژوهی ادبی، شماره 9 و 10، صص 1/14 پاییز و زمستان 78
- صادقی، علی اشرف (1365)، التقای واکه‌ها و مسأله همخوان میانجی، مجله زبانشناسی، سال سوم، شماره دوم صص 3 تا 22

- صادقی، علی اشرف (1380)، مسائل تاریخی زبان فارسی، تهران: سخن
- علیزاده جوبنی، علی (1389)، نخستین فرهنگ گویش تاتی رودبار، رشت: ایلیا
- علیزاده جوبنی، علی (1394)، فعل‌های پیشوندی در گویش تاتی رودبار، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، ویژه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شماره پنجم، شهریور 1394 (159/172)
- حاجی زاده جوبنی، مهران (1390)، "بررسی ساختار واجی و صرفی گویش جوین رودبار"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه پیام نور
- فرشیدورد، خسرو (1384)، دستور مفصل امروز، چاپ دوم، تهران: سخن
- لازار، ژیلبر (1384)، دستور زبان فارسی معاصر، مترجم: مهستی بحرینی، تهران: هرمس
- مرعشی، احمد (1382)، واژه‌نامه گویش گیلکی، چاپ دوم، رشت: طاعتی
- مشکوة الدینی، مهدی (1380)، دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)، تهران: سمت
- منصوری، یدالله و حسن زاده، جمیله (1387)، بررسی ریشه‌شناختی افعال در زبان فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- ناتل خانلری، پرویز (1384)، تاریخ زبان فارسی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: فرهنگ نشر نو
- ناتل خانلری، پرویز (1384)، دستور زبان فارسی، چاپ بیستم، تهران: توس
- نجفی، ابوالحسن، (1358)، مبانی زبان‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد
- نوزاد، فریدون (1381)، گیله‌گب، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان
- هاشمی تکلیمی، سید نورالدین (1391)، پژوهشی در گویش رودباری (همراه با دستور گویش)، چاپ نخست، رشت: حرف نو